



سخی صمیم

مرتکبین جرم و جنایت در قید این شرایط مسئولیت جزائی ندارند

قابل توجه مقامات مسئول میهن:

من برداشت و اعتقاد شخصی خود را طور مؤجز از اوامر و هدایات مواد بخشی از قانون جزا همراه با پرسشهای لازم که از مطالب مذکور ناشی می گردد مطرح می سازم و به دنباله آن عرایض دیگرم را پیشکش می نمایم.
لطف به این مطالب توجه فرمائید:

طفل خرد سالیکه سن هفت سالگی را تکمیل نکرده و به حکم قانون مسئولیت جزائی ندارد' اگر با آله جارحه و یا قاتله' به نحوی از انحاء شخصی را به قتل رساند. مسئولیت کیفری آن بدوش چه کسی بوده و مسئول قتل کیست؟
و آیا این مسئولیت می تواند بدوش اشخاص دیگری از قبیل ولی' وصی و یا کسانیکه مسئولیت مواظبت و نگهداری اطفال را به دوش دارند انتقال یابد؟. اگر چنین تصویری درست باشد. هدایت قانون دایر بر جگونگی دسته بندی این جرایم و تعیین جزاء در کجاست؟.

شخصیکه حین ارتکاب جرم به سبب جنون و یا سائر امراض عقلی فاقد ادراک و شعور باشد و مرتکب قتل و یا جنایت گردد' مسئولیت جزائی نداشته مجازات نمیگردد.
پس چه کسی مسئول و مجازات می شود؟ اگر شخص مسئول معلوم نبوده و مسئولیت انتقالی را تصریح نسازیم و کسی مجازات نگیرد. سر توشهت جرایم واقع شده بدون جزا خواهد بود؟ و جرایم واقع شده بدون پرسش نمی ماند؟

شخصیکه تحت تأثیر قوه مادی یا معنوی ایکه دفع آن طور دیگری ممکن نباشد مجبور به ارتکاب جرم گردد. مسئول شناخته نمیشود.
پس چه کسی مسئول شناخته میشود؟

شخصیکه به منظور نجات نفس یا مال خود و یا نفس و مال غیر' به خطر بزرگ و آنی مواجه گردد به نحویکه بدون ارتکاب عمل جرمی قادر به دفع آن نباشد مسئول شناخته نمیشود. مشروط بر اینکه شخص عمداً سبب ایجاد خطر مذکور نگردد و ضرر مورد اجتناب شدید تر از ضرری باشد که از جرم نشأت می کند.
و مطالب دیگری بدینگونه...:

عرایض از همین مبدأ آغاز می یابد:

آنچه در فوق مطالعه فرمودید محتوا و مفهوم اوامر و هدایات قانون جزاء بود.

اکنون با داشتن تصویری از چنین وقایع و قضایا: اگر اصل سببیت بین عمل و نتیجه را در نظر گیریم و فحوای اوامر قانون را با توجه به اصل متذکره مطالعه کنیم به وضوح در می یابیم: اعمالیکه نحوه ارتکاب آن در قانون پیش بینی شده و مرتکب آن نیز معلوم و مشخص گردیده است میتواند نتایج اعمال جرمی و اشباع جرایم بین اصل سببیت و نتیجه باشد. ولی چرخش مسئله این جاست که: اشخاص اکتیف چنین اعمال با وجود ارتکاب این جرایم عریان نسبت اعداز قابل قبول و پذیرفتنی بموجب احکام قانون جوابگوی اعمال جنائی خود ها نیستند و مسئولیت جزائی ندارند. پس در حقیقت این اوامر از دید عدالت قانونی و حرمت هدایات آن واجب التعمیل خوانده میشود. اما پرسش اینجاست که:

کیفر سَفک دَماء و جنایات رامیتوان نادیده گرفت و هدر داد؟

من در اصل احکام و هدایت قانون گفتنی ندارم و آن را حرمت می گذارم. ولی میخواستم بدانم که:

بربنیاد رعایت احکام شریعت و قانون و (قانونیت جرم و جزا) هر عمل جرمی بایست جزای لازم و کیفرخواست مناسب داشته و عاملین چنین قضایا باید جوابگوی اعمال خویش باشند. در غیر آن حقوق افراد جامعه پامال خون های ریخته به هدر می رود و قانونیت جرم و جزاء مشروعیت خود را از دست می دهد.

اکنون اگر با رعایت هدایات و اوامر فوق قانون جزاء - زیر عنوان (موانع مسئولیت جزائی) مرتکبین اعمال جرمی و جنائی متذکره را مستوجب جزاء نیندازیم بایست بدیل برای انتقال جزاء که در تجویز تعزیرات' زیر احکام فقه و شریعت مجاز و سازگار باشد جستجو نمائیم. و چنین احکامی اگر در تنظیم جرایم و جزاهای تعزیری درج قانون جزاء موجود باشد و (من به آن دسترسی پیدا نکرده ام خود را سخت مقصر میدانم و طالب پوزش میباشم) در غیر آن موضوع ارائه شده با همه جوانب آن بر رسی جدی و لازم کار دارد.

بر همین بنیاد میخواستم بار دیگر مکررن خاطر نشان سازم که: محتوای احکام قابل رعایت قانون جزاء را که در صدر این نبشته تذکر دادم.

این پرسش را در ذهن تداعی می سازد که: متابعت و پیروی از احکام (موانع مسئولیت

جزائی) آیا می تواند تحریک دعوی را علیه اشخاص ثالث متوقف و مسئولیت جزائی را

بطور مطلق حذف و جرایم واقع شده را در مجموع بی اثر دانسته و آثار حقوقی و کیفری

آن را محو سازد؟.

میخواهم بدانم: در حالیکه قانون جزاء کشور - جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم و نافذ نمود و با اجرائی شدن چنین اقدام و عمل نیک تحول عظیمی در بکار گیری قانون کیفری میهن بوجود آمد. چرا مسئولیت و مجازات و یا عدم مسئولیت و مجازات در بین بخش مهم از قانون جزا مکتوم بوده و روشن نگردیده است؟ اگر من با ناتوانی موفق نشده ام در پیدایش چنین احکامی از متن قانون جزا دسترسی پیدا کنم معذورم.

ولی اگر من به خطا نرفته و عرایض اشاره معقولی به کمبود قابل جبران محاسبه و ضرورت آن محسوس شود از اقدام و عمل بوقت و بجا با کمال منت گذاری ممنون و مشکور خواهم بود.

میخواهم این اصل را طور دقیق به توجه خوانندگان محترم خویش برسانم که: عرایض فوق الذکر من در مجموع ارتباط مستقیم به متن و احکام قانون جزا داشته و اصول و قواعد فقهی و تعزیرات را شامل نمیشود. زیرا در احکام و قواعد فقهی میتوانیم همه اعمال جرمی و جنائی را زیر عنوان تعزیرات شرعی در صفحات محاکمه حین اصدار حکم در نظر گیریم و با رعایت احکام لازم تحت امر مسایل فقهی و تعزیرات اصدار حکم نمائیم. ولی منظورم را با تکرار اضافی تجدید میکنم که: قانون جزائی کشور' بر باور من مسئولین قابل باز خواست جرایم و جنایاتی را که توسط اشخاص بالا تحت احکام موانع مسئولیت جزائی تذکار یافت روشن نساخته است. و در صورت وارد بودن مطالب و مستندات ارائه شده مقامات مربوط میهنم اقدامات مقتضی مرعی خواهند داشت. یا هو.

سخی صمیم